

هو الله تعالى شأنه الحكمة و البيان

يا ابن ابهر عليك سلامي و عنایتی و رحمتی نامه‌ئی که نزد بدیع‌الله ارسال داشتی بحضور و شرف اصغا فائز لله الحمد مزین بود بذکر حق سبحانه و تعالی و منور بود بانوار محبت الهی از حق میطلبیم ترا تأیید فرماید بر خدمت امر اگر بحکمت و بیان به ارض زاء توجه نمائی لدى الله مقبولست و از آنجا باراضی اخری ان ربک هو المبین العليم و همچین نامه‌ئی که باسم جود عليه بهائی و عنایتی ارسال داشتی لدى الوجه مذکور ایام ایام الله است باید لوجه الله بتبلیغ امر مشغول شوی شاید اعراض عباد باقبال و کفر بایمان و شرک بتوحید تبدیل گردد فضل حق لایحصی بوده و هست عجب از نفوسی که بالوان فانیه دنیا و زندگانی دو یوم از نعمتهای باقیه الهی و زندگی سرمدی محروم ماندند از حق بطلب باصبع ایادی امر یعنی نفوس ثابته راسخه مطمئنه مرضیه حجبات را خرق فرماید و سبحات را براندازد و سد حائل را بردارد اوست مقتدر و توانا

ذکر فخرالدین علیه بهائی را نمودید انا نذکره فی هذا الحین بآیات الله رب العالمین و نبشره بفضلی و رحمتی و انا المبشر الکریم یا فخرالدین ذکرک من احببني بهذا الكتاب المبین انه یحب من احبه و یذکر من ذکره رحمة من عنده و هو الفضل العزیز الحمید ضع ما عند القوم و خذ ما اوتیت من لدى الله المقتدر القدير ایاک ان یمنعک ما عند العباد عن مالک الایجاد او تحزنک شماتة المعتدین خذ الكتاب بقوة من عندنا و حکمة من لدنا ان ربک هو الامر العليم قل

الهی الهی لک الحمد بما ایدتني علی التوجه الیک و الاقبال الی افقک اسألك بخبآء مجدک و سرادق حفظک و بأمرک الذی به سخرت عبادک و خلقتک بأن تجعلنی ثابتاً راسخاً مستقیماً علی امرک ثم اکتب لی یا الهی من قلمک الأعلى ما یقرئنی الیک فی کل الأحوال انک انت الغنی المتعال

یا ابن ابهر نذکر فی هذا الحین امک التي اقبلت و سمعت و آمنت بالله العزیز الجمیل انا ذکرناها من قبل بما لا ینقطع عرفه بدوام اسمائی الحسنی و انا الشاهد التاطق الأمين طوبی لها و نعیماً لها بما وقت بعهداها و ما نقضت میثاقها طوبی لها و لمن احبها لوجه الله العزیز العظیم کبر من قبلی علی وجهها و ذکرها بما نزل من سماء العطاء و بشرها برحمتی التي سقت من فی السموات و الأرضین

ذکر موقنه جدیده را نمودید از قبل مظلوم ذکرش نما بگو یا امتی عالم از برای عرفان حق جل جلاله از عدم بوجود آمد و چون مقصود ظاهر و برهان کامل و آیات نازل و بیّنات باهر کل اعراض نمودند و بسب و لعن مشغول گشتند لله الحمد ید عنایت ترا نجات داد و راه نمود فائز شدی بآنچه که ضد و مثل از برای او نبوده و نیست بشری امائی بعنایتی و ذکری و رحمتی و فضلی الذی احاط الوجود من الغیب و الشهود جناب خال و سمی را از قبل مظلوم تکبیر برسان ذکرشان لدى المسجون مذکور و هر یک بآیات و عنایت حق فائز نسأل الله ان يؤیدهما و یوقهما علی ذکره و ثنائه و خدمة امره العزیز البدیع البهآء علیک و علی الذین سمعوا و اجابوا و علی اللآئی آمن بالله الفرد الواحد العليم الخبیر